تواتر قرائات سبع نزد محقق اردبیلی

می خواهم مطالبی را عرض کنم که مهم است. دیروز فرمودند آیا صلاح هست بحث تعدد قرائات مطرح شود؟ این ها سوالات مهمی است. بعضیها به شدت تحاشی دارند که این ها مطرح شود. شاید نظرها مختلف باشد. ما که پنج-شش سال است مباحثه کردیم، با توجه به مطالبی که جمع آوری شده، باید تلاش کنم ذهنیت خودم را به شما منتقل کنم. قبل از این که عبارت بعدی را بخوانم، نکته ای را عرض می کنم.

ببینید شما از کلام محقق اردبیلی و صاحب مدارک چه می فهمید؟ از همین استدلالی که الان بحث کردیم چه می فهمید؟ نزاع این دو بزرگوار با دو بزرگوار دیگر در چه چیزی بود؟ در تحقق تواتر عشر بود. این نکته مهمی است. یعنی ببینیم که این چهار بزرگوار سر چه چیزی نزاع می کنند. نزاعشان سر عشر است. همه آن ها سبع را قبول دارند. خود محقق اردبیلی با این دقتها فرمودند لا خلاف فیه و آنها را قبول کردند. اینها سبع را قبول کردند حال ما به کجا می رویم؟!

آن نکته ای که می خواهم عرض کنم، این است: استدلالی که محقق اردبیلی با آن، حرف شهید ثانی و محقق ثانی را نمی پذیرند، بیان گر این است که این دو بزرگوار این استدلال را در سبع قبول دارند. حال برگردیم عبارتشان را دوباره بخوانیم.

> و اعترضهما المولی الأردبیلی و کذا تلمیذه السیّد المقدّس بأنّ شهادة الشهید غیر کافیة، لاشتراط التواتر فی القرآن الذی یجب ثبوته بالعلم و لا یکفی الظنّ فلا یقاس بقبول الإجماع بخبر الواحد، نعم یجوز ذلک للشهید لأن کان ثابتا ًعندہ بطریق علمی، انتهی[1]

«...لاشتراط التواتر فی القرآن الذییجب ثبوته بالعلم و لا یکفی الظنّ»؛ شما دو بزرگوار قبول دارید که قرائات هفت گانه متواتر است؟ می گویند قبول داریم. یعنی علم به تواتر سبع داریم. این کم نیست. این ها یادداشت کردنی است. یعنی این دو بزرگوار با دو نفر دیگر در عشر درگیر هستند. می گویند در آن سه قرائت به تواتر علم ندارید؛ قرآن علم می خواهد. خیلی جالب است. فضای الان ما درکتاب هایی که می آید چه شده؟! فضایی که این بزرگاران بحث می کنند چه بوده؟!محقق اردبیلی داد می زنند که ما در هفت تا علم به تواتر داریم، قرآن هم علم می خواهد. ما در این سه قرائت که علم ندارید. این نکته خیلی مهم است. به ذهنم آمد که خود دعوای این چهار بزرگوار یک پرچم بزرگی را بلند کرده که ما به تواتر علم داریم. چرا؟ چون در آن سه قرائت علم ندارید، لذا آن ها را رد کردید. این ها یادداشت کردنی است.

یک مدتی است برای همین چیزهای کوتاه صفحه ای را با یک عنوان ایجاد کرده ام. هر کدام خواستید کمک کنید. اگر این گسترده شود بعد می بینید که چه دم و دستگاهی می شود. الان این خودش یک

عنوان است. یعنی نزاع محقق اردبیلی با محقق ثانی و شهید ثانی، موکد این است که محقق اردبیلی داد می زنند که نحن ذوو علم بتواتر السبع. به تواتر سبع علم داریم، نه به سبع. و لذا با این ادعای بزرگ در عشر خدشه می کنند.

شاگرد: از این عبارت این را می فهمید؟

استاد: قبل از آن گفتند:

> یجب أن یقرأ بالمتواتر و هی السبع. و فی «جامع المقاصد» الإجماع علی تواترها. و کذا «الغریة». و فی «الروض» إجماع العلماء و فی «مجمع البرهان» نفی الخلاف فی ذلک**[2]**

«... نفی الخلاف فی ذلک»؛ یعنی تواتر سبع. این نکته خیلی مهمی است.

---

[1]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) ج۷ص۲۱۱

[2]همان ۲۰۹

بازبینی #3
ایجاد شده 19 مارس 2024 10:39:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 12:54:24 توسط ... .